

دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی

در اقلیم روشنایی

تفسیر چند غزل از حکیم سنائی غزنوی



یادآوری

از ما و خدمت ما چیزی نخیزد ای جان!

هم تو بنا نهادی، هم تو تمام گردان

این کتاب، مقدمه‌ای داشت چند برابر متن، درباره پایگاه سنائی در غزل فارسی و نیز شکل‌گیری ادبیات مُغانه و عرفانی، قبل از سنائی و بعد از او، تا عطار و مولوی. وقتی که آن مقدمه را می‌خواستم به چاپخانه بفرستم دوستی گفت: «حیف است، این مقدمه را جداگانه چاپ کن.» دلیلی که آن دوست می‌آورد این بود که این مقدمه خود کتابی است مستقل و دارای چشم‌اندازهایی تازه و اگر ضمیمه این کتاب چاپ شود «منتخبی از غزلهای سنائی» تلقی خواهد شد و اینهمه زحمتی که تو کشیده‌ای تبدیل به یک «گزیده» خواهد شد که «تألیف» آن در روزگار «زیراکس» کار چند دقیقه است: علامت زدن تصادفی روی بعضی غزلهای دیوان سنائی و زیراکس کردن آنها و فرستادن به چاپخانه و شرح حال مختصری هم از سنائی، رونویسی از یکی از تاریخ ادبیات‌ها.

این حرف آن دوست مرا مدتها مردد کرد. چندین ماه درین اندیشه بودم و هرچه ناشر کتاب می‌آمد که مقدمه را بده می‌گفتم هنوز بعضی قسمت‌ها پاک‌نویس نشده است. استدلال آن دوست چندان صمیمانه و نیرومند بود که روز بروز این تردید بیشتر می‌شد. با اینهمه چون در مقدمه و تعلیقات تازیانه‌های سلوک و حتی تعلیقات همین کتاب، به آن مقدمه بارها ارجاع داده بودم، دلم راضی نمی‌شد که این کتاب بی مقدمه بماند. اما هنگامی که یک نسخه از نمونه چاپ‌شده تازیانه‌های

سلوک را از چاپخانه آوردند و دیدیم قیمت کتاب (به دلیل گرانی کاغذ و مخارج چاپ) تا بدین حد بالا رفته است، نه از چاپ آن مقدمه، که از چاپ کردن هر کتابی دلسرد شدم و تصمیم گرفتم این کتاب را در کمترین حجم و قیمت ممکن، منتشر کنم و تا ارزان شدن کاغذ و مخارج چاپ و یا بالا رفتن قدرت خرید طبقه کتابخوان و اهل فضل مملکت، دیگر گرد تألیف و تصنیف نگردم.

پس، از شما خوانندگان عزیزی که این کتاب را بدون آن مقدمه می خوانید عذرها می خواهم و نیز از دانشجویان و جوانان عزیزی که خیال می کنند پول این کتابها یک راست به جیب مؤلف و ناشر بیچاره می رود و نمی دانند که در این اوضاع، سود تمام چیزها - از جمله کتاب و کاغذ - به جیب حاج دلآلانی می رود که در این ده پانزده ساله، میلیارد در شده اند و در منازل چندین هزار متری ای که در شمال شهر تهران خریده اند، حتی یک جلد کتاب وجود ندارد و اگر باشد یک عدد «زادالمعاد» است که به کمک آن مستقیماً از آنجا به بهشت تشریف فرما شوند. والحمدلله اولاً و آخراً.

تهران، خرداد ۱۳۷۳
ش. ک.

بعدالتحریر:

برای اطلاع اجمالی از سنائی و آثار او، مراجعه شود به مقدمه تازیه های سلوک (تهران، انتشارات آگاه، بهار ۱۳۷۳ ولی با تاریخ پاییز ۱۳۷۲) باید یادآور شوم که من این غزلهای سنائی را براساس چندین نسخه کهن و از جمله نسخه بسیار قدیمی موزه کابل - که مشخصاتش را در فهرست مأخذ تازیه های سلوک نشان داده ام - تصحیح کرده ام و ضبط موجود در این کتاب، بنا بر اصولی که من در نظر داشتم، بر هر چاپ دیگر دیوان سنائی رجحان دارد. در مورد «مشخصات مراجع کتاب» هم در اغلب موارد می توان به همان چاپ ها و نسخه هایی که در کتاب تازیه های سلوک مرجع من بوده اند، توجه داشت مگر چند استثنا که خود نیازی به یادآوری ندارد. در این انتخاب، ایباتی از غزلها را حذف کرده ام و تغزلها، در فهرست، با علامت مشخص شده اند. خوانندگان، به این نکته ها حتماً توجه داشته باشند.